

مقدمه‌ای بر اجتماعی نویسی در ایران

# تلفیق واقعیت و تخیل



شاهرخ تندروصالح  
دبیر سرویس ادبیات

برای ورود به بحث شیرین و جذاب اجتماعی نویسی لازم است چند موضوع را به عنوان پیش فرض نویسندگی و اجتماعی نویسی در ایران یادآوری کنیم. این موضوعات عبارتند از نویسنده بودن، واقعیت و اجتماع.

نویسنده‌ای حرفه‌ای، متکی بر دانش و تخیل است که با کمک کلمه، علاقه‌مند محصول مرتبط با فرهنگ یک جامعه را تولید می‌کند و در اختیار دیگران قرار می‌دهد. برخی از ملل تمدن و حقیقت‌دوست و علاقه‌مند به پیشرفت و کرامت انسانی و شأن شهروندی، نویسنده‌ها را به‌خاطر مجاورتش با روح و روان انسان‌ها و درک عمیق واقعیت‌ها، خواهر خوانده وجدان می‌نامند. بنا این حال بسیاری با در نظر گرفتن یادنامه‌ها و سلاطین از قابلیت نویسندگی خود را نماینده جراحان روح و وجدان بیدار بشری یا مدعی‌العموم می‌خوانند و بهره‌های وافر می‌برند.

جذاب‌ترین رفتار نویسنده ادبی نویسی در جهان، تلفیق واقعیت و تخیل است. به‌گونه‌ای که به مدد تکیه کردن به تخیل، آنچه را که آرزو دارد در جان کلمات می‌کارد. به این ترتیب، با قرار دادن واقعیت زندگی به عنوان نقطه پسرگار موضوع، دواپری متعدد با موضوع انسان شهروند و جامعه ترسیم می‌کند؛ دواپری که گرچه از یک مرکز برخوردارند اما شعاع‌های متفاوتی دارند و محیط‌های موضوعی‌شان، بیانگر گونه‌هایی متنوع از حقایق پیدا و پنهان زندگی است.

نویسنده اگر از نقطه نظر فیزولوژیک و طبیعت انسانی، مشکل و محدودیت جسمی، روحی، روانی و... نداشته باشد، بی تردید تمام امکانات خود را صرف تامل بر واقعیت‌های جامعه‌ای می‌سازد که در آن زندگی می‌کند. چرا که هر انسان، روزی در نقطه‌ای از زمین به دنیا آمده که آن جاوطن اوست و اگر خیلی واقعیت‌شناس باشد و به واقعیت‌های زندگی خود توجه نشان دهد، بر روز و روزگار خود و وطنش تمرکز خواهد داشت. شاید به همین خاطر است که برخی از ملل و فرهنگ‌ها، نویسندگان و اندیشمندان خود را از دق مرگ شدن معماران حیات تمدنی آنها باشند. آری نویسندگان و اندیشمندان، معماران حیات تمدنی هر فرهنگ و جامعه‌ای هستند.

جامعه که از اجتماعات بسیار زیاد و متنوعی تشکیل می‌شود بخشی از واقعیت‌هایی است که نویسنده‌ها به آنها فکر می‌کنند. مثال می‌زنم. اجتماع مهندسان تحصیل کرده و زجر کشیده در اندوختن دانش مهندسی را به نام جامعه‌مهندسان می‌نامند. طبیعی است اگر یک خلبان یا جاشو یا باغبان یا جالیز کار بخواهد در این اجتماع ورود پیدا کند یا مخالفت مهندسان واقعی رویه‌رو می‌شود. اما اگر همین‌جوری اتفاقی افتاد و چنین موجودی مثلاً در رأس جامعه مهندسی‌ها قرار گرفت، چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌توانید تصور بفرمایید؟

در دهه ۲۰ شمسی در یکی از استان‌های کشور، استاندار وقت مصمم بود تا در باغچه‌های حواشی پیاده‌روها و باغچه‌های وسط بلوارها سبزی‌خوردن بکاردا پس از مدتی با استفاده از تربیون‌های مختلفی که در اختیار داشت توانست آن را تبدیل به یک نیاز جمعی سازد. عده‌ای از مردم باغچه‌های مقابل خانه‌شان را سبزی‌خوردن

کاشتند اما همین حرکت، دعوایی حیртانگیز را در پی داشت: مردمی که تا دیروز در بدترین حالت، با سلامی خشک و خالی همدیگر را مشایعت می‌کردند، پس از تغییر موقعیت اجتماعی‌شان، یعنی بر خوردار شدن از حق باغچه‌داری و باغبانی

باغچه مقابل خانه خود، شخصیت زیرپوستی خود را نشان دادند. حاصل آن که در طول کمتر از یک هفته تعداد سر و کله و دست‌وپای شکسته شده با دسته بیل و دسته کلنگ رقی می‌نگران‌کننده شد. در آن ماجرا، تخیل پریخته مدیریتی با یک بخشنامه و اصلاح آتی آن مشکلاتی آفرید که عقل جمعی عطای سبزی‌خوردن مفتی را به لقایش بخشید.

بر سر نویسنده اجتماعی نویسی و واقعیت‌های زندگی و جامعه است. واقعیت‌ها در یک عرف ساختارشناسی به ۳ دسته قابل تقسیم هستند:

۱- واقعیت‌های محض یعنی مجموعه‌ای از زیبایی‌های خیره‌کننده فردی و اجتماعی که هر کدام از ما لحظه به لحظه شاهد شکوفایی و اوج‌گیری بیش از پیش آن در محیط‌های اجتماعی هستیم. واقعیت‌های محض صفحه‌ای از شناسنامه هر کدام از ما است.

۲- واقعیت‌های درونی: این واقعیت‌ها سایه واقعیت‌هایی هستند که در نهاد و یادخانه یا خاطرات درازمدت ما نهفته مانده و در مواقع خاص بروز می‌یابند. این بخش از واقعیت‌ها عمدتاً متکی بر خاطرات ما هستند.

۳- واقعیت‌هایی که ترکیب تخیل و درونیت

هستند. این واقعیت‌ها بسته به امکانات و صدمت البته قابلیت تخیل نویسنده واقع‌نگر، یا زیبایی‌ها را بازنمایی می‌کند یا اگر واقعیتی خلاف عرف و اخلاق انسانی و در تعارض با حقیقت وجودی انسان یا شأن و کرامت انسانی شهروندان یا حقوق ابتدایی انسان‌ها منافات داشته باشد و در تعارض با منافع شهروندان و جامعه و آینده شهروندان قرار بگیرد، به مرور انتقادی آن می‌پردازد.

نویسنده اجتماعی نویسی برای این‌که اجتماعی نویسی واقعی باشد و باسماه‌ای نویسی یا سفارشی کار نشود به تعداد چشم‌هایی که دارد، باید چشم قرض کند و دانش نویسندگی‌اش را افزایش و بنیبه استدلال را در نوشته‌هایش قوی و قوی‌تر سازد. شاید بفرمایید که استدلال به چه کار می‌آید؟ بنیبه استدلال در شخصیت نویسنده اجتماعی نویسی می‌تواند خیلی فایده داشته باشد. مثلاً این موارد را با هم مرور کنیم:

\* در قرار گرفتن در نهادهایی چون رسانه‌های جمعی، نسبت به تامین مطالبات حقوق عمومی مؤثر و مفید واقع شوند.

\* قادر خواهند بود از رشد آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کنند.

\* در مقام قضاوت مدیریت‌های پسر خطر و ریسک‌آفرین این حق را دارند که محکمه‌گردانی کنند.

این نقش‌ها را خود نویسندگان در طول زمان برای خود تعریف کرده‌اند. کسی مسئولیت خاصی برای آنها تعیین نکرده یا ایفای نقشی را به آنها واگذار نمی‌کند، چنین اتفاقی از اقبال وجدان عمومی فرسنگ‌ها فاصله دارد.

در جهان فعلی که سرعت، دقت، وضوح و هدف از مشخصه‌های رفتاری اهل اندیشه و عملگر ایران حوزه اجتماعی است، نویسندگان نیز پایه‌های واقعیت‌های اجتماعی نگارنی‌ها، بیم‌ها و امیدهای خود را دارند. نوشتن از بیم‌ها و امیدها بسته به شدت و قدرت مواردی که حیات عمومی انسان‌ها را تهدید می‌کند، تناسبی مستقیم با واقعیت‌های زندگی نویسنده دارد. متناسفانه این نقطه یعنی نقطه تعامل نویسنده با واقعیت‌ها، برای ما ایرانیان نقطه فرار از مرکز واقعیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود. نویسنده در این نقطه به جای این که به حقوق وجدانی خود بپردازد در تور و تهور واقعیت‌های محدودکننده و بازدارنده‌ای می‌افتد که به نوعی، صورتی از آلوده‌نگاری است. با این حال آیا می‌توان چشم‌امید به اجتماعی نویسی در ادبیات امروز ایران داشت؟

با این حال آیا می‌توان چشم‌امید به اجتماعی نویسی در ادبیات امروز ایران داشت؟

تاملی بر شگردهای هایکونویسی

## اکسیر جاودانگی؛ درک ناپیدا

محمد صنی | مترجم

ترکیبی از تنهایی و آرامش، احساس افسردگی شناور بر رهایی از سختی روزگار، وایی سایی چنین احساس می‌شود. تنها کسی می‌تواند آن را تجربه کند که به جای تمرکز بر آرایه‌های ظاهری، به درون توجه کند و این تعجبی ندارد که ژاپنی‌ها به سختی وایی سایی را توضیح می‌دهند.

انها سعی دارند بگویند چگونه حس‌اش می‌کنند نه این که چه شکلی است. البته این دید زیباشناختی تنها برای آسبایی‌ها نیست. تنها کافی است به عکس‌های واکر ایوانز<sup>۱</sup> از فضای داخل یک خانه روستایی در آلاباما<sup>۲</sup>، تصاویر آندره کرتز<sup>۳</sup> از سایه‌های صندلی‌های خالی یا حیط مرکزی جورجیا اوکیف<sup>۴</sup> در آیکو<sup>۵</sup> نگاهی انداخت تا فهمید که زیباشناسی مشابیهی وجود دارد. این هنرمندان با مخاطبان از طریق درک متقابل از احساسات خصوصی‌شان صحبت می‌کنند، چنین ارتباطی نمی‌تواند ساختگی باشد. یک اشتباه رایج ایجاد اثر مصنوعی با برخی نشانه‌های دیداری است، به‌جز در مواردی که هنرمند قصد بیان احساسات خود را دارد، اثر وی در مقابل چشمان تیزبین مخاطب پوج دیده می‌شود. وایی سایی سبکی نیست که بتوان براساس آنچه در آرایه‌های ظاهری لفظ آن را جست‌وجو کرد بلکه آن زیبایی، آرامش و سکوت ذهن و قابل دسترسی با یادگیری دیدن ژرفاها و گوشه‌های ناپیدا و نهان در هر آفرینش هنری است، آنچه ضروری نیست کتاری نهند و بدانند که کجا باید بایستند...

### دیگر دیدگاه‌ها پیرامون هایکو و هایکو سربای در جهان ادبیات

...در اصل وایی و سایی دو معنای کاملاً متفاوت دارند. سایی در اصل به معنای یأس، ضعف، پژمردگی است و وایی به معنای سختی زندگی در طبیعت به دور از جامعه است... در حدود قرن چهاردهم معنای هر دو کلمه در مسیر ارزش‌های مثبت زیباشناختی شروع به رشد کردند. در طول قرن‌های اخیر، معنای وایی و سایی به‌جایی رسیده‌اند که خط‌نمای دهنده این دو بسیار ناچیز است... (وایی سایی برای هنرمندان، طراحان، شاعران و فیلسوفان)

هایکو‌ها احساس عمیق زیبایی شناسانه‌ای را نشان می‌دهند که ترکیبی از تنهایی و آرامش، احساس افسردگی شناور بر رهایی از سختی روزگار، وایی سایی چنین احساس می‌شود. تنها کسی می‌تواند آن را تجربه کند که به جای تمرکز بر آرایه‌های ظاهری، به درون توجه کند و این تعجبی ندارد که ژاپنی‌ها به سختی وایی سایی را توضیح می‌دهند

این دو کلمه وایی به‌سادگی قابل ترجمه نیست و می‌تواند چیزهای مختلفی باشد: تنهایی، جدایی و سادگی روستایی، طعم آرامش، خودنمایی و پالایش سودا زندگی... (سنت کلاسیک در معماری ژاپنی، ورژن‌های مدرن سبک سوکیا) «تیچی ایتوه» یوکیو فوتوگاوا<sup>۱۱</sup>

...وایی سایی زیبایی چیزهایی از هم گسیخته، ناپایدار و ناتمام، مختصر و کوچک و آشیاء بدون نظم است. نزدیک‌ترین کلمه انگلیسی به این واژه «Rustic» (روستایی) است. چیزهایی وایی سایی دارند که دیده نشده‌اند و به‌نظر بدیهی می‌آیند، فروتن و نامتظاهر، ساختار آنها شاید غیرقابل تشخیص باشد... (وایی سایی برای هنرمندان، طراحان، شاعران و فیلسوفان) «لئونارد کورن»<sup>۱۲</sup>

...وایی سایی با فروتنی، خوشتنداری، سادگی، طبیعت، عمق، ناتمامی و عدم تقارن با تأکید بر سادگی و بی‌پیرایگی مشخص می‌شود و زیبایی دلپذیری است که با زمان و مراقبت به محیط انتقال می‌یابد... (درآمد، چانوئو، هنر چای، صفحه شخصی، اوراستنکه<sup>۱۳</sup>، سیاتل) پائوین:

1. Tim Wong
2. Akiko Hirano
3. Haiku
4. Kigo
5. Kireje
6. Wabi sabi
7. Matsuo Bashō
8. Yosano Buson
9. Kakuzo Okakura
10. Zen Buddhism
11. Walker Evan's
12. Alabama
13. Andre Kertesz
14. Georgia O'keeffe
15. Abiquiu
16. Leonard Koren
17. Teiji Itoh
18. Yukio Futagawa
19. Urasenke

نوشته‌هایی همچون هایکوی بالا احساس عمیق زیبایی شناسانه‌ای را نشان می‌دهد،